Quarterly Financial Accounting
E-ISSN: 2783-4417
Vol. 17, Issue 3, No. 67, Autumn 2025, p 91-107
Received: 12 .16.2025 Accepted: 05.25.2026

Research Paper

The Effect of Financial Statement Comparability on the Value Relevance of Accounting Information Based on Valuation and Earnings Selectivity

Azita Jahanshad *
Associate Professor, Department of Accounting, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
azitajahanshad @iau.ac.ir

Abstract
In general, investor behavior plays a significant role in the valuation of shareholders' equity. In this regard, financial statement comparability, as an enhancing qualitative characteristic, influences investors' decision-making and evaluation through two main channels and constitutes the conceptual foundation of the value relevance of accounting information. Accordingly, the primary objective of this study is to examine the effect of financial statement comparability on the value relevance of accounting information based on valuation and earnings selectivity. In this study, 170 companies listed on the Tehran Stock Exchange were examined over the period 2015–2024 using EViews software. Panel regression models were employed to test the research hypotheses. The findings indicate that financial statement comparability has a positive and statistically significant effect on the value relevance of balance sheet and income statement information based on valuation and earnings selectivity. The results indicate that enhancing comparability can function as an indirect monitoring mechanism that simultaneously strengthens earnings reliability and the value relevance of both balance sheet and income statement information.

Keywords: Financial Statement Comparability, Value Relevance of Accounting Information, Earnings Valuation, Earnings Selectivity.

Introduction

In general, investor behavior plays a significant role in the valuation of shareholders' equity. In this regard, financial statement comparability, as an enhancing qualitative characteristic, influences investors' decision-making and evaluation through two main channels and constitutes the conceptual foundation of the value relevance of accounting information. Accordingly, the primary objective of this study is to examine the effect of financial statement comparability on the value relevance of accounting information based on valuation and earnings selectivity.

Method and Data

In this study, 170 companies listed on the Tehran Stock Exchange were examined over the period 2015–2024 using EViews software. Panel regression models were employed to test the research hypotheses.

* Corresponding author
Jahanshad, A. (2025). The Effect of Financial Statement Comparability on the Value Relevance of Accounting Information Based on Valuation and Earnings Selectivity. *Quarterly Financial Accounting*, 17(67): 91-107.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

Findings

The results showed that financial statement comparability has a positive and statistically significant effect on the value relevance of balance sheet and income statement information based on valuation and earnings selectivity..

Conclusion and discussion

The results indicate that enhancing comparability can function as an indirect monitoring mechanism that simultaneously strengthens earnings reliability and the value relevance of both balance sheet and income statement information. This underscores the importance of macro-level policymaking aimed at reporting uniformity, as well as the need for investors to pay close attention to this qualitative characteristic. The consistency of these findings with global research demonstrates the universal benefits of comparability, while their confirmation in the Iranian market represents a step toward localizing knowledge and offering practical solutions to improve the efficiency of the country’s capital market.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

فصلنامه حسابداری مالی
سال هفدهم، شماره ۶۷، پاییز ۱۴۰۴، ص ۱۰۷-۹۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۴

مقاله پژوهشی

تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود

آزیتا جهانشاد *

دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
azitajahanshad @iau.ac.ir

چکیده:
به طور کلی، رفتار سرمایه‌گذاران از جایگاه با اهمیتی در ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام برخوردار است. در همین راستا، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به عنوان یک ویژگی کیفی ارتقادهنده، از دو کانال اصلی بر تصمیم‌گیری و ارزیابی سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد و اساس فکری ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری می‌باشد. بر همین اساس هدف اصلی این پژوهش تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود می‌باشد. در پژوهش حاضر تعداد ۱۷۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۴۰۳-۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. بر همین اساس جهت آزمون فرضیات از مدل رگرسیونی پانلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای و سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج نشان می‌دهد ارتقای قابلیت مقایسه می‌تواند به‌عنوان یک مکانیسم نظارتی غیرمستقیم، قابلیت اتکای سود و ارتباط ارزشی اطلاعات ترازنامه و سود و زیان را به‌طور هم‌زمان تقویت کند.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود.

* نویسنده مسئول

جهانشاد، آزیتا؛ (۱۴۰۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۷(۶۷): ۱۰۷-۹۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

مقدمه

در فضای پویا و پیچیده بازارهای سرمایه، کیفیت اطلاعات مالی به عنوان عاملی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، جایگاهی محوری یافته است. در این میان، دو ویژگی اساسی «ارتباط ارزشی» و «قابلیت مقایسه» در کانون چارچوب‌های مفهومی گزارشگری مالی قرار دارند. ارتباط ارزشی، به عنوان معیاری برای سنجش توانایی اطلاعات حسابداری در انعکاس ارزش بازار، همواره مورد تأکید پژوهشگران بوده است (علی و هی[1]، ۲۰۲۵). بر همین اساس اگرچه نقش قابلیت مقایسه در تسهیل ارزیابی شرکت‌ها بدیهی به نظر می‌رسد، اما بررسی سازوکار دقیق تأثیر آن بر بهبود کیفیت، تداوم و قابلیت اتکای سود عرصه‌ای حساس محسوب می‌شود. همچنین علیرغم گستردگی ادبیات این حوزه، شواهد تجربی درباره سازوکار و شدت تأثیر مستقیم «قابلیت مقایسه» بر تجلی ارتباط ارزشی (به‌ویژه در دو بُعد کلیدی «ارزش‌گذاری» و «انتخاب‌پذیری سود»)، همچنان نیازمند واکاوی عمیق‌تر و نظام‌مندتری است (بیسلند[2]،۲۰۰۹). در همین راستا ارزش‌گذاری سود به معنای توانایی و قدرت توضیح‌دهندگی سود حسابداری گزارش‌شده در تبیین ارزش بازار شرکت است و انتخاب پذیری سود نیز از یک سو، می‌تواند در راستای افزایش شفافیت و صحت اطلاعات مالی به کار رود و از سوی دیگر، ممکن است به‌صورت فرصت‌طلبانه و برای دستیابی به اهداف شخصی مدیران مورد استفاده قرار گیرد (لالوانیا و چاکرابورتیب[3]،۲۰۲۴). در این بستر، ارتقای قابلیت مقایسه می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا خصوصیات مرتبط با ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود را با دقت بیشتری ارزیابی کنند و در تصمیمات خود از آثار آن بهره‌مند شوند (پاتل و توماس[4]،۲۰۲۴). فقدان پاسخی تجربی و روشن به پرسش «چگونگی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود»، خلأ پژوهشی محسوسی در ادبیات حرفه‌ای ایجاد کرده است. در این میان، انجام پژوهشی یکپارچه که به صورت هم‌زمان و در قالب یک مدل منسجم، تأثیر قابلیت مقایسه را بر هر دو بُعد ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای و سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود مورد آزمون قرار دهد، ضرورتی انکارناپذیر دارد. این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف طراحی شده است. این پژوهش پس از مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها را تدوین و روش آزمون آنها را تشریح می‌کند. سپس یافته‌های پژوهش ارائه و تحلیل می‌شود. در پایان، با جمع‌بندی نتایج، پیشنهادهای کاربردی و عملی ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

طبق پژوهش لی، ما و وانگ[5] (۲۰۱۵) سرمایه‌گذاران صرفاً نمی‌توانند با دسترسی و توانایی تحلیل اطلاعات، درک بهتری از عملکرد شرکت داشته باشند، بلکه اطلاعات مرتبط با ارزش را از طریق استنباط بر اساس عملکرد و یا افشای اطلاعات همتایان (مقایسه شرکت) به دست می‌آورند.

به عنوان مثال، در غیاب افشای اخبار بد برای شرکتی خاص، ممکن است سرمایه‌گذاران بتوانند حداقل برخی از اطلاعات منفی را از طریق نتیجه‌گیری بر اساس عملکرد و یا افشای همتایان شرکت خود به دست آورند. لذا این موضوع نقش مهمی در محدود کردن توانایی و انگیزه‌های مدیران برای انباشت کردن اخبار بد ایفا می‌کند (بیونگچرل[6]،۲۰۱۶). طبق تئوری علامت‌دهی هرچه اطلاعات بیشتری درباره واحدهای تجاری افشاء شود باید تأثیر مستقیمی بر عملکرد بنگاه اقتصادی داشته باشد. افشای بیشتر منجر به کاهش مشکل عدم تقارن اطلاعاتی، بهبود کارایی نظارت بر مؤسسات مالی و سایر تأمین‌کنندگان منابع مالی (لفتویچ، واتس و زیمرمن[7]،۱۹۸۱) و کاهش هزینه سرمایه واحد تجاری (لویز و ورچیا[8]،۲۰۰۰) می‌شود (کلارکسون، ریچاردسون

[1] Ali & He
[2] Beisland
[3] Lalwania & Chakrabortyb
[4] Patel & Thomas
[5] Lee, Ma & Wang
[6] Byungcherl
[7] Leftwich, Watts & Zimmerman
[8] Leuz & Verrecchia

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

و واســـواری[1]، ۲۰۰۸). بر همین اســـاس میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند (در رابطه با عدم ارائه گزارشـــگری مالی با قابلیت مقایســـه مطلوب) انباشـــت و پنهان کنند، در شـــرکت‌های مختلف متفاوت اســـت. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصـــت‌های مدیران برای انباشت و افشاء نکردن اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد.

برای مثال، در شرایطی که هیچ‌گونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه‌ای برای افشای نامتقارن اطلاعات ندارند، چرا که در چنین شرایطی هزینه‌های نگهداری و افشاء نکردن اخبار منفی بیش از منافع آن خواهد بود، اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بالاست، هزینه‌های افشاء نکردن اخبار منفی و انباشت آنها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود و بنابراین مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن را افشاء نکنند (فرض علی،۱۳۹۱). از طرفی در رویکرد اندازه‌گیری حسابداری که در مقابل رویکرد اطلاعاتی قرار دارد، فرض می‌شود سرمایه‌گذاران از اطلاعات به طور کامل و به‌موقع استفاده نمی‌کنند. در این نگاه، اگر رقم حسابداری رابطه‌ای معتبر با قیمت یا بازده سهام داشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این ارقام، اطلاعات ارزشمندی را در خود جمع‌آوری و منعکس کرده‌اند (بال و سادکا[2]، ۲۰۱۵). بـر اســاس این رویکرد می‌توان ارزش اطلاعات حسابداری را به عنـوان توانایی ارقـام حســابداری در تبیـین قیمت و بازده سهام تعریف نمود. همچنین همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد یکی از حائز اهمیت‌ترین ارقام صورت‌های مالی برای تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران "سود حسابداری" می‌باشد. به طور کلی بررسی محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در پژوهش‌های پیشین، تحت تأثیر فروض کلاسیک اقتصاد و مالی، مبتنی بر رفتار عقلایی سرمایه‌گذاران و کارایی بازار قرار گرفته است (کالن، راب و سگال[3]،۲۰۰۸). با توجه به اینکه توان سودآوری آتی یک شرکت تا حد زیادی به سود گزارش شده فعلی آن بستگی دارد، انتظار می‌رود که پس از اعلام سود واحد اقتصادی، معاملات بر روی سهام شرکت تحت تأثیر قرار گیرد که این مهم می‌تواند منجر به تغییرات قیمت و بازده در سهام شود (دیویس[4]،۲۰۰۲). بر همین اساس است که سودمندی اطلاعات ارائه شده در سود حسابداری را "محتوای اطلاعاتی سود حسابداری" می‌نامند. یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش سودمندی اطلاعات ارائه شده در سود حسابداری، میزان تجدیدنظر در باورها و انتظارات سرمایه‌گذاران است که ابتدا منجر به قضاوت (در رابطه با ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود) و نهایتاً تصمیم‌گیری آنها می‌شود (ونتر، کاهان و امانوئل[5]،۲۰۱۱). در دنیای مدیریت مالی و حسابداری، ارزش‌گذاری و انتخاب‌پذیری سود دو مفهوم کلیدی هستند. ارزش‌گذاری سود به معنای تعیین ارزش مالی سودهای حاصل از فعالیت‌های تجاری است، درحالی‌که انتخاب‌پذیری سود به توانایی اطلاعات حسابداری در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع اقتصادی اشاره دارد (شیمن و گونتر[6]،۲۰۱۳). طبق پژوهش ژانگ و لو[7] (۲۰۲۱) بررسی انتخاب پذیری سود قبل از ارزش‌گذاری سود برای سرمایه‌گذاران حائز اهمیت‌تر است؛ زیرا در وهله اول بایستی سرمایه‌گذاران از صحت و عدم انحراف در ارقام سود حسابداری گزارش شده، اطمینان حاصل نمایند و در مرحله بعدی، اقدام به بررسی توان توضیح دهندگی اقلام سود حسابداری گزارش شده در عملکرد آتی واحد اقتصادی نماید. تا از آن طریق تصمیمات بهینه‌ای در رابطه با سرمایه‌گذاری در واحد اقتصادی اتخاذ گردد (لالوانیا و چاکرابورتیب،۲۰۲۴).

الگوهای ارزش‌گذاری سود، ابزارهای مهمی در تحلیل مالی هستند که به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران کمک می‌کند تا ارزش ذاتی سهام شرکت‌ها را بر اساس سود حسابداری و جریان‌های نقدی تعیین کنند. این الگوها با استفاده از داده‌های مالی و پیش‌بینی‌های آتی، به ارزیابی و تحلیل عملکرد مالی شرکت‌ها می‌پردازند و به تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شوند (شیمن و گونتر،۲۰۱۳). به طور کلی طبق تئوری‌های مرتبط با ارزش‌گذاری سود، مهم‌ترین ویژگی‌های ارزش‌گذاری سود شامل پایداری، قابلیت پیش‌بینی و موقع بودن سود می‌باشد. این ویژگی‌ها در واقع تحلیل ارقام سود حسابداری در راستای شناسایی

[1] Clarkson, Richardson & Vasvari
[2] Ball & Sadka
[3] Callen, Robb & Segal
[4] Davis
[5] Venter, Cahan & Emanuel
[6] Schiemann & Guenther
[7] Zhang & Luo

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

وضعیت عملکرد آتی واحد اقتصادی می‌باشد تا بر اساس آن جزئیات بیشتری از وضعیت اقتصادی آینده شرکت مورد بررسی قرار گیرد (هانوئر و لینهارت[۱]،۲۰۱۵). در فرآیند ارزش‌گذاری سود، توجه به مرحله چرخه حیات شرکت عاملی کلیدی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محتوای اطلاعاتی سود در مراحل مختلف حیات (رشد، بلوغ و افول) متفاوت است. شرکت‌های در مرحله رشد و بلوغ، معمولاً با شاخص‌های سود با کیفیت‌تر، عملکرد آتی مطلوب‌تری را نشان می‌دهند، درحالی‌که شرکت‌های در حال افول، از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نیستند (هی و هو[۲]،۲۰۱۴). از طرفی انتخاب پذیری سود به انعطاف‌پذیری مدیران در استفاده از روش‌ها و رویه‌های مختلف حسابداری برای گزارش سود شرکت اشاره دارد (هو، کورتزه و زنگ[۳]، ۲۰۱۱). این مفهوم نشان‌دهنده توانایی و تمایل مدیران به دستکاری اطلاعات مالی به‌منظور رسیدن به اهداف خاصی مانند دستیابی به اهداف سودآوری، بهبود تصویر مالی شرکت در برابر سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی و تأمین پاداش‌های مبتنی بر عملکرد است (کوتاری، لوولن و وارنر[۴]، ۲۰۰۶). انتخاب پذیری سود به طور کلی به معنای استفاده مدیران از ابزارها، قضاوت‌ها و تخمین‌های حسابداری برای تغییر نتایج مالی گزارش شده است. این تغییرات ممکن است شامل تغییر در زمان‌بندی شناسایی درآمدها و هزینه‌ها، انتخاب روش‌های مختلف استهلاک و دستکاری در ذخایر مالی باشد. غالباً هدف از این اقدامات در دیدگاه اول: ایجاد بهبود در سودآوری به صورت ظاهری و موقتی و در دیدگاه دوم: تأمین مالی کوتاه‌مدت در کم‌ترین زمان می‌باشد (مک وی[۵]،۲۰۰۶). به طور کلی انواع انتخاب پذیری سود به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱- انتخاب پذیری سود فرصت‌طلبانه[۶] و انتخاب پذیری سود کارآمد[۷]. در انتخاب پذیری سود به شکل فرصت‌طلبانه، مدیران به‌منظور دستیابی به اهداف شخصی مانند افزایش پاداش‌ها، ابقاء موقعیت شغلی، یا افزایش ارزش سهام (با هدف فرصت‌طلبانه)، اقلام اطلاعات مرتبط با سود حسابداری را به صورت فرصت‌طلبانه دستکاری می‌کنند. این نوع از انتخاب پذیری سود می‌تواند منجر به کاهش کیفیت گزارش‌های مالی و ایجاد اطلاعات گمراه‌کننده برای سرمایه‌گذاران شود (اشملینگ[۸]، ۲۰۰۹)؛ اما در انتخاب پذیری سود به شکل کارآمد، مدیران از انعطاف‌پذیری حسابداری به‌منظور انتقال بهتر اطلاعات و کاهش نوسانات غیرضروری در گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند. هدف از این نوع انتخاب پذیری سود، ارائه تصویری پایدار و قابل پیش‌بینی از عملکرد مالی شرکت است که می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران کمک کند (سادکا و سادکا[۹]، ۲۰۰۹). طبق پژوهش‌های مختلف چندین عامل می‌تواند بر تمایل و توانایی مدیران در استفاده از انتخاب پذیری سود تأثیرگذار باشد که این عوامل شامل انگیزه‌های مالی، فشارهای بازار، ساختارهای حاکمیتی و قوانین و مقررات حسابداری می‌باشد (سان، ژانگ و لی[۱۰]،۲۰۱۱). در رابطه با تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری می‌توان به مباحث زیر اشاره کرد: قابلیت مقایسه در حسابداری، با ایجاد یک چارچوب یکپارچه و قابل‌فهم، نقش یک تسهیل‌گر کلیدی را در تقویت ارتباط ارزشی اطلاعات مالی ایفا می‌کند. هنگامی که اطلاعات شرکت‌ها بر پایه استانداردهای یکسان ارائه شود، امکان تجزیه و تحلیل معنادار بین شرکت‌ها و در طول زمان فراهم می‌شود (لالوانیا و چاکرابورتیب،۲۰۲۴). در چنین شرایطی، قابلیت مقایسه به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تا روندهای عملکردی، نقاط قوت و ضعف و موقعیت نسبی یک شرکت را در مقایسه با رقبایش به دقت شناسایی نمایند. این مقایسه پذیری، امکان پیش‌بینی واقع‌بینانه‌تر جریان‌های نقدی آتی و در نتیجه، ارزیابی دقیق‌تر ارزش ذاتی شرکت را فراهم می‌سازد (بال و سادکا، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، قابلیت مقایسه با کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعات برای سرمایه‌گذاران، به افزایش کارایی بازار سرمایه کمک می‌کند، زیرا اطلاعات را سریع‌تر و کامل‌تر در قیمت‌ها منعکس می‌سازد (علی و هی، ۲۰۲۵). افزون بر این، قابلیت مقایسه با افزایش قابلیت اتکا و اعتبار اطلاعات مالی، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند و تصمیم‌گیری آنان را بر پایه‌ای مستحکم‌تر قرار می‌دهد. این امر به تخصیص کارآمدتر سرمایه منجر می‌شود، زیرا

[1] Hanauer & Linhart
[2] He & Hu
[3] Hu, Cortese & Zeng
[4] Kothari, Lewellen & Warner
[5] McVay
[6] Opportunistic Earnings Selectivity
[7] Efficient Earnings Selectivity
[8] Schmeling
[9] Sadka & Sadka
[10] Sun, Zhang & Li

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

جریان سرمایه تنها در سایه مقایسه‌پذیری معنادار، به سمت شرکت‌های با عملکرد برتر هدایت می‌شود؛ بنابراین، قابلیت مقایسه نه یک ویژگی فرعی، بلکه پیش‌شرطی اساسی برای تحقق ارتباط ارزشی اطلاعات و کارایی بازار است (پاتل و توماس،۲۰۲۴). با توجه به استدلال‌های مطرح شده و همچنین اهمیت ارزش اطلاعات حسابداری در تصمیمات سرمایه‌گذاری، در ادامه پیشینه پژوهش‌های مرتبط در رابطه با عنوان پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردد.

دنتو، رادهاکریشنان و رونن[۱] (۲۰۰۴) با بررسی بلندمدت دریافتند که ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری (شامل سود و ارزش دفتری) در طول زمان رو به کاهش بوده است. دابجا و کلیمسزاک[۲] (۲۰۱۰) در لهستان نشان دادند که استقرار و توسعه قواعد گزارشگری مالی موجب ایجاد و افزایش مربوط بودن ارزش سود حسابداری می‌شود. سیبل[۳] (۲۰۱۳) نیز گزارش کرد که ارتباط ارزشی اطلاعات مبتنی بر ارزش دفتری در دوره‌ای ۷ ساله بهبودیافته، اما بهبود مشابهی برای سود مشاهده نشده است. کمپبل و یونگ[۴] (۲۰۱۷) طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ در شرکت‌های آمریکایی دریافتند که سرمایه‌گذاران واکنش کمتری به سودهای با قابلیت مقایسه بالاتر نشان می‌دهند. کورنل، لندزمن و استابن[۵] (۲۰۱۷) بر نقش کیفیت اطلاعات تأکید کردند و دریافتند که اطلاعات حسابداری باکیفیت می‌تواند اثر مخرب تمایلات و احساسات سرمایه‌گذاران را بر قیمت سهام کاهش دهد. حبیب، حسن و الهادی[۶] (۲۰۱۷) طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۳ در شرکت‌های آمریکایی دریافتند که افزایش قابلیت مقایسه، هزینه‌های کسب اطلاعات و در نتیجه ارزش نگهداری وجه نقد را در شرکت‌ها کاهش می‌دهد. اسلام[۷] (۲۰۱۸) طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۵ نشان داد که قابلیت مقایسه با اعتبار تجاری رابطه‌ای منفی (به ویژه برای شرکت‌های درمانده مالی و کوچک) دارد. سوسانتو و ویجایا[۸] (۲۰۲۲) به جنبه دیگری پرداختند و نشان دادند که کاهش خوانایی گزارش‌های مالی (با افزایش حجم) می‌تواند از طریق افزایش هزینه‌های نمایندگی، کارایی را کاهش دهد، هرچند که مربوط بودن ارزش اطلاعات بر این هزینه‌ها اثر مستقیم نداشت. لالوانیا و چاکرابورتی (۲۰۲۴) نیز تأیید کردند که قدرت ارتباط ارزشی اطلاعات سود و زیان، به ویژه برای شرکت‌های بزرگ و با ارزش، بیشتر و قوی‌تر است. گارسیا لارا، گارسیا اوسما و مورا[۹] (۲۰۲۵) نشان دادند که قابلیت مقایسه بالاتر، مربوط بودن ارزشی سود و ارزش دفتری را در بانک‌های اروپایی افزایش می‌دهد. این اثر در محیط‌های با نظارت ضعیف قوی‌تر است، به‌طوری‌که قابلیت مقایسه می‌تواند جایگزین مناسبی برای نظارت ناکارآمد باشد.

حسین‌زاده و احمدی‌نیا (۱۳۸۸) در پژوهشی بر روی ۳۳۱ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، نشان دادند که سود عملیاتی، سود قبل از کسر مالیات و سود خالص توان توضیح بازده سهام را دارند. در همین راستا سود خالص بیشترین توان را در توضیح بازده سهام دارد. عثمانی، جاوید و محمدی (۱۳۹۰) در پژوهشی با استفاده از ۸۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ دریافتند که بهبود سازوکارهای راهبری شرکتی (از جمله استقلال هیئت‌مدیره و حضور مدیران غیرموظف) به‌طور مثبت و معناداری مربوط بودن ارزش سود را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، کیفیت بالاتر نظام راهبری، توانایی سود حسابداری را در انعکاس اطلاعات مفید برای سرمایه‌گذاران و توضیح قیمت سهام بیشتر می‌کند. حمدی، فعال قیومی، برزوزاده زواره و تقی‌خانی (۱۳۹۲) با تأیید مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری برای سرمایه‌گذاران بورس تهران نشان دادند که شاخص‌های سود و زیان مربوط‌تر از شاخص‌های ترازنامه هستند. همچنین، سودآوری و اندازه شرکت بر میزان این مربوط بودن تأثیر دارند. اعتمادی و بابایی (۱۳۹۷) ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری را با استفاده از رگرسیون قیمت برای ترازنامه و رگرسیون بازده برای صورت سود و زیان بررسی کردند و نشان دادند این رابطه تحت تأثیر هم اطلاعات حسابداری و هم رفتار سرمایه‌گذاران است. فضل زاده، احمدیان و نقدی (۱۴۰۱) با تأکید بر همین تأثیرپذیری، نشان دادند که سودهای جاری و آتی اثر مثبت بر بازده سهام دارند،

[1] Dontoh, Radhakrishnan & Ronen
[2] Dobija & Klimczak
[3] Sible
[4] Campbell & Yeung
[5] Cornell, Landsman & Stubben
[6] Habib, Hasan & Al-Hadi
[7] Islam
[8] Soesanto & Wijaya
[9] García-Lara, García-Osma & Mora

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

اما تمایلات سرمایه‌گذاران می‌تواند ضریب واکنش به سود جاری و اجزای آن را کاهش دهد. رستمی، حسینی و محمدی (۱۴۰۳) نشان دادند که افزایش خوانایی گزارش‌های مالی و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، هر یک به تنهایی و همچنین در تعامل با یکدیگر، منجر به کاهش قیمت‌گذاری نادرست سهام می‌شوند. این اثر از طریق کاهش نابرابری اطلاعاتی و نزدیک‌تر کردن قیمت‌ها به ارزش ذاتی سهام محقق می‌شود. دقیقی ماسوله، فرهادی، فولادی و ملایی (۱۴۰۲) در پژوهشی با استفاده از ۱۲۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ دریافتند که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به طور کلی منجر به افزایش اعتبار تجاری می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که این اثر در شرکت‌های درمانده مالی شدیدتر است، اما در مورد شرکت‌های کوچک تأثیر معناداری ندارد. حاجیا (۱۴۰۴) در پژوهشی نشان می‌دهد که اثربخشی ساختار هیئت‌مدیره بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین متغیرهای اندازه و سودآوری بر رابطه اثربخشی ساختار هیئت‌مدیره و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه عنوان اصلی و مباحث مطروحه، این پژوهش دارای فرضیات زیر است:

فرضیه (۱): قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه (۱-۱): قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه (۱-۲): قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

به طور کلی پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های تجربی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و برای جمع‌بندی داده‌ها و محاسبات موردنیاز از صفحه گسترده اکسل و برای تجزیه و تحلیل نهایی از جدیدترین نسخه نرم‌افزار ایویوز[1] استفاده شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. هدف پژوهش‌های کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است؛ به عبارت دیگر پژوهش‌های کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شوند. همچنین از نظر نحوه گردآوری داده‌ها این پژوهش توصیفی (از آن جهت که به شناخت بیشتر شرایط موجود و یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری می‌انجامد) و از نوع همبستگی می‌باشد؛ زیرا میزان وابستگی متغیر وابسته و متغیر مستقل را نسبت به هم بررسی می‌کند. روش پژوهش به صورت استقرایی است که در آن مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه، مقاله و اینترنت جمع‌آوری شده و در رد یا اثبات فرضیه پژوهش با بکارگیری روش‌های آماری مناسب، از استدلال استقرایی در تعمیم نتایج استفاده می‌گردد. در این پژوهش، برای آزمون فرضیه از داده‌ها به صورت سال - شرکت استفاده خواهد شد.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران است که برای انتخاب آن تعدیل‌هایی به شرح زیر لحاظ شده است. ۱-سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛ ۲-طی قلمرو زمانی پژوهش، توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند؛ ۳- با توجه به محدودیت‌های اطلاعاتی، جزء شرکت‌های بازار پایه فرابورس نباشند؛ ۴-جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری (هلدینگ) و واسطه‌گری مالی (لیزینگ و بانک) و بیمه نباشند؛ ۵-طی دوره زمانی پژوهش، وقفه معاملاتی بیش از شش ماه نداشته و اطلاعات آنها برای حداقل یک سال در دسترس باشد. پس از اعمال تعدیل‌های فوق،۱۷۰ شرکت در جامعه آماری این پژوهش قرار گرفت. قلمرو زمانی پژوهش، ۱۰ دوره مالی (از سال ۱۳۹۴ تا

[1] Eviews

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

۱۴۰۳) و ۱۷۰۰ سال- شرکت می‌باشد. لازم به ذکر است که داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و اطلاعات منتشر شده شرکت‌ها در شبکه کدال و آرشیو معامله‌های سازمان بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شده است.

متغیرهای پژوهش

با توجه به اینکه این پژوهش به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود می‌پردازد لذا نحوه اندازه‌گیری متغیرهای مستقل، وابسته، تعدیلگر و نهایتاً کنترلی بر اساس پژوهش‌های علی و هی (۲۰۲۵) و لالوانیا و چاکرابورتیب (۲۰۲۴) به شرح زیر در نظر گرفته شده که در مدل‌های آماری قابل‌رؤیت می‌باشد.

مدل آزمون فرضیه فرعی (۱):
$$\beta_0 + \beta_1 AC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AQ_{it} + \beta_4 MV_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 INST_{it} + \beta_8 AGE_{it} + e_{it} = VRBSI_{it}$$

مدل آزمون فرضیه فرعی (۲):
$$\beta_0 + \beta_1 AC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AQ_{it} + \beta_4 MV_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 INST_{it} + \beta_8 AGE_{it} + e_{it} = VRLEI_{it}$$

VRBSI: ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود

VRLEI: ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود

AC: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی

SIZE: اندازه شرکت است که برای محاسبه آن لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

AQ: برای اندازه‌گیری این متغیر طبق پژوهش احمدزاده (۱۳۹۰) درصورتی‌که سال- شرکت مورد بررسی را سازمان حسابرسی و حسابرسان معتمد بورس رتبه الف، حسابرسی کرده باشد از متغیر مجازی یک (۱) و در غیر این صورت از متغیر مجازی صفر (۰) استفاده می‌شود (حاجیا ،۱۴۰۴).

MV: ارزش شرکت است که برای محاسبه آن از نسبت کیوتوبین استفاده می‌شود، این متغیر از حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری کل بدهی‌ها تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

Growth: رشد فروش که از درآمد فروش منهای فروش دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل محاسبه می‌گردد.

LEV: اهرم مالی که از نسبت کل بدهی به‌کل دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

INST: سهامداران نهادی، درصد سهام در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی است که سرمایه‌گذاران نهادی از قبیل بانک‌ها و بیمه‌ها و غیره و همچنین اشخاصی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند است.

AGE: عمر شرکت که از لگاریتم طبیعی تفاضل سال تأسیس شرکت از سال موردنظر محاسبه می‌گردد.

نحوه محاسبه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی

در این مطالعه، برای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، از الگوی بابایی، پاک مرام، بادآور نهندی و رضایی (۱۳۹۹) مبتنی بر تئوری ارزش‌گذاری نسبی استفاده شده است. این الگو که کارایی تبیین بالاتری در شرایط ایران نشان داده، استدلال می‌کند که شرکت‌های قابل‌مقایسه باید تابعی از متغیرهای مؤثر بر نسبت‌های ارزشیابی باشند. بهترین نسخه این الگو، سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اساس نسبت قیمت هر سهم بر سود عملیاتی هر سهم (PO/E) است. برای محاسبه قابلیت مقایسه مطابق این الگو، ابتدا مدل رگرسیونی تبیین‌کننده نسبت قیمت بر سود عملیاتی هر سهم (PO/E) به شرح مدل (۱) در سطح هر صنعت برازش می‌شود. سپس قرینه قدر مطلق باقیمانده‌های مدل به عنوان شاخصی برای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی لحاظ می‌گردد. لازم به ذکر است برای تقسیم‌بندی شرکت‌ها به قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بالا و پایین از میانه استفاده می‌شود.

مدل (۱):
$$\left(\frac{P}{OE}\right)_{i,t} = C + \beta_1(b_{it}) + \beta_2(g_{it}) + \beta_3(B_{it}) + \beta_4(ROE_{it}) + \beta_5(Q_{it}) + \beta_6(SIZE_{it}) + \beta_7(Re_{it}) + \beta_8(Adjpm_{it}) + \beta_9(CPI_{it}) + \varepsilon_{it}$$

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

در مدل (۱) مطابق پژوهش بابایی و همکاران (۱۳۹۹)؛ (P/OE) نسبت قیمت هر سهم بر سود عملیاتی هر سهم؛ (b) نسبت توزیع سود نقدی از طریق حاصل تقسیم سود نقدی هر سهم بر سود هر سهم؛ (g) رشد شرکت از طریق رابطه (۲) محاسبه شده است.

رابطه (۲):

$$g = (1 - \frac{DPS}{EPS}) \times ROE$$

در رابطه (۲)؛ (DPS) سود تقسیمی هر سهم، (EPS) سود هر سهم و (ROE) نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام) است. ریسک شرکت (B) از طریق ریسک سیستماتیک به شرح رابطه (۳) اندازه‌گیری می‌شود. در رابطه (۳)؛ i نشان‌دهنده بازده سهام شرکت و (m) نشان‌دهنده بازده کل بازار به شکل ماهیانه می‌باشند.

رابطه (۳):

$$\beta_{i,t} = \frac{Cov_{i,m}}{\delta_m^2}$$

نسبت کیوتوبین (Q) از طریق نسبت ارزش بازار دارایی‌های شرکت بر ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان دوره؛ اندازه شرکت (Size) نیز از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان دوره مالی؛ هزینه حقوق صاحبان سهام (Re) نیز از طریق مدل رشد گوردون مطابق رابطه (۴) محاسبه گردید.

رابطه (۴):

$$R_e = \frac{DPS}{P_0} + g$$

حاشیه سود تعدیل شده شرکت بر اساس صنعت (Adjpm) از طریق تفاضل حاشیه سود شرکت و میانه حاشیه سود شرکت‌های حاضر در صنعت محاسبه می‌شود. حاشیه سود هر شرکت نیز از طریق نسبت سود عملیاتی بر فروش محاسبه گردید. نرخ تورم (CPI) نیز از آرشیو آماری بانک مرکزی به شکل سالانه استخراج شده است.

نحوه محاسبه ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود

مدل‌های بومی و بهینه‌شده «ارزش اطلاعات حسابداری» که در مقاله شامحمدی و جهانشاد (۱۴۰۱) بر اساس متغیرهای مرتبط با «ارزش‌گذاری و انتخاب‌پذیری سود» ارائه شده است، به شرح زیر می‌باشد:

۱- به‌منظور محاسبه "ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه" از مدل بومی و بهینه شده زیر استفاده می‌گردد.

$$P_{it} = \beta_0 + \beta_1 BVPS_{it} + \beta_2 EPS_{it} + \beta_3 CFOPD_{it} - \beta_4 CON_{GIVO}{}_{it} + \beta_5 REAC_COF_{it} + \beta_6 TIME_E_{it} - \beta_7 EM_ADJJO{}_{it} + \varepsilon_{it}$$

۲- به‌منظور محاسبه " ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی" از مدل بومی و بهینه شده زیر استفاده می‌گردد.

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 EAR_{it} - \beta_2 CON_GIVO{}_{it} + \beta_3 REAC_COF_{it} - \beta_4 ECS_{it} + \beta_5 TIME_E_{it} + \beta_6 PRED_{it} + \beta_7 CORRL_TA_Cf_{it} - \beta_8 EM_kot_{it} - \beta_9 CHANGEABLE{}_{it} + \varepsilon_{it}$$

P_{it}: قیمت سهام شرکت در سال t.

$BVPS_{it}$: ارزش دفتری تقسیم بر تعداد سهام در سال t.

EPS_{it}: سود هر سهم در سال t (یا درآمد پس از کسر مالیات تقسیم بر تعداد سهام در سال t).

$CFOPD_{it}$: جریان وجوه نقد عملیاتی تقسیم بر تعداد سهام در سال t.

R_{it}: بازده سهام شرکت در سال $t+1$.

EAR_{it}: سود خالص تقسیم بر کل دارایی در سال t.

طبق پژوهش سوسانتو و ویجایا (۲۰۲۲) در هر کدام از مدل‌های اولیه و بهینه شده، مبنا یا شاخص "ارتباط ارزشی (مربوط بودن) اطلاعات حسابداری"در سال مالی t، معادل R^2 به ازای هر سال- شرکت در طی دوره t-5 تا t می‌باشد (شامحمدی و

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

جهانشاد، ۱۴۰۱). لذا هر چه مقدار R^2 به‌دست‌آمده (به ازای هر سال- شرکت) بیشتر باشد نشان‌دهنده این است که ارزش اطلاعات حسابداری در آن سال و به ازای آن شرکت مطلوب بوده و بلعکس. در ادامه نحوه اندازه‌گیری، متغیرهای افزوده شده (که شامل محافظه‌کاری غیرشرطی سود، ضریب واکنش سود، به‌موقع بودن سود، مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری، طبقه‌بندی سود، قابلیت پیش‌بینی سود، همبستگی بین اقلام تعهدی با جریان وجه نقد عملیاتی و تغییرپذیری سود است) در مدل‌های بومی و بهینه شده به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۱): متغیرهای شناسایی شده مبتنی بر مدل‌های بهینه (بومی) و نحوه اندازه‌گیری آنها

ردیف	نام متغیر	نحوه محاسبه متغیرهای مرتبط
۱	همبستگی بین اقلام تعهدی با جریان وجه نقد عملیاتی (CORRL_TA_CF)	یکی از ساده‌ترین معیارهای اندازه‌گیری مدیریت سود استفاده از ضریب همبستگی بین اقلام تعهدی با جریان وجه نقد عملیاتی می‌باشد این شاخص توسط لیوز، ناندا و ویسوکی[1] (۲۰۰۳) ارائه شده است. برای محاسبه این متغیر از رابطه زیر استفاده می‌شود: **CORRL_TA_CF =P (TACC & CFO)** در این معادله **TACC** نشان‌دهنده اقلام تعهدی و **CFO** نشان‌دهنده جریان وجه نقد عملیاتی می‌باشد، طبق این شاخص درصورتی‌که بین اقلام تعهدی با جریان وجه نقد عملیاتی همبستگی منفی وجود داشته باشد نشان‌دهنده مدیریت سود است (بنی مهد، عربی و حسن پور،۱۳۹۵).
۲	قابلیت پیش‌بینی سود (PRED)	یکی از معیارهای کیفیت سود قابلیت پیش‌بینی سود است، این مفهوم به معنای توان استفاده از اطلاعات سود برای پیش‌بینی اطلاعات آتی است. در همین راستا اطلاعات آتی می‌تواند سود یا جریان وجه نقد عملیاتی باشد برای محاسبه این متغیر از مدل زیر استفاده می‌شود: $E_{it} = \beta_0 + \beta_1 E_{it} + CFO_{it-1} + \varepsilon_{it}$ در این مدل CFO_{it-1} بیانگر جریان وجه نقد عملیاتی در سال جاری و E_{it} بیانگر سود خالص در سال جاری می‌باشد. در این مدل معیار قابلیت پیش‌بینی سود انحراف معیار (ε) می‌باشد. لازم به ذکر است که برای دستیابی به معیار مذکور از رگرسیون غلطان طی ۵ سال اخیر استفاده می‌شود. هر چه این مقدار بیشتر باشد نشان‌دهنده قابلیت پیش‌بینی سود کمتر است و بلعکس (همان منبع).
۳	تغییرپذیری سود (CHANGEABLE)	به طور کلی تغییرپذیری یا نوسان پذیری سود نیز یکی از معیارهای کیفیت سود می‌باشد. این متغیر به معنای پراکندگی مقادیر سود طی یک بازه زمانی است. برای محاسبه این متغیر از مدل زیر استفاده می‌شود: $E_{it} = \beta_0 + \beta_1 E_{it-1} + E_{it} + \varepsilon_{it}$ در این مدل E_{it} بیانگر سود خالص در سال جاری و E_{it-1} بیانگر سود خالص در سال گذشته می‌باشد بالا بودن مقادیر خطا (ε) در این مدل حاکی از تغییرپذیری یا نوسان پذیری سود بیشتر و کیفیت سود پایین‌تر است (همان منبع).
۴	ضریب واکنش سود (REAC_COF)	به طور کلی ضریب واکنش سود، شاخصی برای تعیین میزان واکنش گزیری بازده (قیمت) سهام به تغییر سود شرکت می‌باشد، برای محاسبه این متغیر از مدل زیر استفاده می‌شود: $R_{it} = \beta_0 + \beta_2 \beta_1 E_{it} + \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$ در این مدل R_{it} بیانگر بازده سهام، E_{it} بیانگر سود خالص در سال جاری و ΔE_{it} بیانگر تغییرات سود خالص نسبت به سال گذشته می‌باشد. هر چه مقدار β_1 حاصل از برآورد مدل در مشاهدات، بالاتر باشد ضریب واکنش و کیفیت سود نیز بیشتر است (همان منبع).
۵	به موقع بودن سود (TIME_E)	یکی از ویژگی‌های با اهمیت برای مربوط بودن سود، به موقع بودن گزارش سود می‌باشد. سودهایی دارای بار اطلاعاتی هستند که به موقع در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گرفته باشد. به موقع بودن سود از طریق مدل کوتاری و زیمرمن[2] (۱۹۹۵) به شرح زیر تعیین می‌شود: $NI_{it} = \beta_0 + \beta_1 R_{it} + \Delta NI_{it} + NI_{it} + \beta_2 NI_{it} + \varepsilon_{it}$ در این مدل R_{it} بیانگر بازده سهام، ΔNI_{it} و NI_{it} به ترتیب بیانگر تغییرات سود خالص سال جاری (نسبت به سال قبل) و سود خالص سال جاری می‌باشد به طور کلی معیار به موقع بودن سود ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) می‌باشد بر همین اساس هر چه مقدار R^2 بیشتر باشد موقع بودن گزارش سود بیشتر است (همان منبع).
۶	محافظه‌کاری غیرشرطی سود (CON_GIVO)	یکی از ابزارهایی که در جهت مدیریت سود از آن استفاده می‌شود، محافظه‌کاری غیرشرطی سود می‌باشد، در این پژوهش برای محاسبه این متغیر از مدل گیولی و هاین[3] (۲۰۰۰) به شرح زیر استفاده می‌شود. $(-1) * \frac{\text{جمع کل تعهدی}}{\text{جمع کل دارایی شرکت‌های}}$ این مدل بیان می‌کند که رشد اقلام تعهدی طی چند دوره مالی بلندمدت بیانگر اعمال محافظه‌کاری سود می‌باشد؛ بنابراین هر چه اقلام تعهدی بیشتری طی سال ایجاد گردد، محافظه‌کاری کمتری اعمال شده است. به بیان دیگر برخورد

[1] Leuz, Nanda & Wysocki
[2] Kothari & Zimmerman
[3] Givoly & Hayn

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

		محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی، همواره با عدم شناسایی یا به تأخیر انداختن شناسایی اقلام تعهدی همراه است (همان منبع). برای محاسبه مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده[1] (۱۹۸۵)، با افزودن یک متغیر توسط دچو، اسلون و سوئینی[2] (۱۹۹۵) به صورت زیر ارائه شده است. در این روش، پس از یک مرحله تخمین و محاسبه مقادیر ضرایب (β_1، β_2، β_3)، مقدار باقیمانده برای هر شرکت- سال (ε) محاسبه می‌گردد. $TACC_{i,t}/A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 (1/A_{i,t-1}) + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC_{i,t}/A_{i,t-1}) + \beta_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$ که در آن: **TACC**= سود عملیاتی منهای جریان وجه نقد ناشی از عملیات شرکت **i** در سال **t** است. **ΔREV**= تغییر در درآمدهای فروش نقدی سال جاری (نسبت به سال گذشته) شرکت **i** در سال **t** است. **ΔREC**= تغییر در حساب‌ها و اسناد دریافتنی سال جاری (نسبت به سال گذشته) شرکت **i** در سال **t** است. **PPE**= کل اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت **i** در سال **t** است. **A**= دارایی‌های شرکت **i** است که به ازای سال **t-1** محاسبه می‌گردد. مقادیر بالاتر اقلام تعهدی اختیاری (مقدار خطای مدل یا ε)، نشانگر شواهد مدیریت سود بیشتر است. از قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری ضرب بر ۱- برای محاسبه مدیریت سود استفاده می‌شود (همان منبع).
۷	مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری مدل تعدیل شده جونز (EM_ADJJO)	
۸	مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری مدل کوتاری (EM_KOT)	مدل دیگر در رابطه با محاسبه مدیریت سود استفاده از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) می‌باشد. مدل زیر نیز به مانند مدل بالا برازش می‌گردد، با این تفاوت که یک متغیر اضافی به نام **ROA** (نرخ بازده دارایی‌ها) دارد. $TACC_{i,t}/A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 (1/A_{i,t-1}) + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC_{i,t}/A_{i,t-1}) + \beta_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \beta_4(ROA) + \varepsilon_{i,t}$ نحوه محاسبه متغیر **ROA** استفاده از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها می‌باشد. در این مدل نیز مقادیر بالاتر اقلام تعهدی اختیاری (مقدار خطای مدل یا ε)، نشانگر شواهد مدیریت سود بیشتر است (همان منبع).
۹	طبقه‌بندی سود (ECS)	در این پژوهش برای محاسبه تغییر طبقه‌بندی سود از مدل مک وی (۲۰۰۶) استفاده می‌شود لازم به ذکر است که ثقفی و جمالیان پور (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود از همین مدل استفاده کرده‌اند. در ادامه تعریف عملیاتی مدل به شرح زیر ارائه می‌گردد. برای اندازه‌گیری تغییر طبقه‌بندی سود از میزان سود اصلی غیرمنتظرهε_t و تغییرات سود اصلی غیرمنتظره V_t استفاده می‌شود. بدین منظور از مدل‌های مرتبط برای برآورد میزان سود اصلی مورد انتظار و تغییرات در آن استفاده می‌گردد: رابطه شماره (۱) $CE_{it} = \beta_0 + \beta_1 CE_{it-1} + \beta_2 ATO_{it} + \beta_3 ACC_{it-1} + \beta_4 ACC_{it} + \beta_5 \Delta SALE_{it} + \beta_6 NEG_\Delta SALE_{it} + e_{it}$ رابطه شماره (۲) $\Delta CE_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 CE_{it-1} + \lambda_2 \Delta CE_{it-1} + \lambda_3 \Delta ATO_{it} + \lambda_4 ACC_{it-1} + \lambda_5 ACC_{it} + \lambda_6 \Delta SALE_{it} + \lambda_7 NEG_\Delta SALE_{it} + e_{it}$ تمامی معادله‌های مربوط به اندازه‌گیری سطح تغییر طبقه‌بندی، در سطح "دسته صنایع بازار" برازش می‌شود و جملات باقیمانده به عنوان میزان تغییر طبقه‌بندی مدنظر قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است پس از دستیابی به جملات باقیمانده با مقادیر مثبت و منفی مواجه می‌شویم بر همین اساس هر چه مقدار پسماند مدل بیشتر باشد نشان‌دهنده "تغییر طبقه‌بندی سود" بیشتر است و بلعکس. در ادامه متغیرهای بکار رفته در معادله‌های فوق‌الذکر به قرار زیر است. لازم به ذکر است که تغییر طبقه‌بندی بر اساس دو رویکرد "سود اصلی غیرمنتظره" و "تغییرات سود اصلی غیرمنتظره" می‌باشد بر همین اساس با توجه به اینکه این دو رویکرد از لحاظ آماری و ادبیات پژوهش کاملاً هم‌راستای هم می‌باشند. لذا از رویکرد اول در این پژوهش استفاده می‌شود (شامحمدی و جهانشاد،۱۴۰۱).

جدول (۲): متغیرهای به‌کاررفته در مدل‌های تغییر طبقه‌بندی سود

ردیف	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری
۱	CE_{it}	سود اصلی که عبارت است از خالص درآمد منهای بهای تمام شده منهای هزینه‌های عمومی، فروش و اداری تقسیم بر خالص درآمد
۲	ΔCE_{it}	تغییرات در سود اصلی که عبارت است از: CEt+1 - CEt
۳	UE_CE_{it}	سود یا زیان اصلی غیرمعمول (باقیمانده معادله اول)
۴	$UE_\Delta CE_{it}$	تغییرات در سود یا زیان اصلی غیرمعمول (باقیمانده معادله دوم)
۵	ATO	نسبت گردش خالص دارایی‌های عملیاتی که طی آن خالص دارایی‌های عملیاتی عبارت است از جمع دارایی‌های عملیاتی منهای بدهی‌های عملیاتی. دارایی‌های عملیاتی برابر است با جمع دارایی‌ها منهای وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت. بدهی عملیاتی برابراست با کل دارایی‌ها منهای کل بدهی منهای ارزش دفتری سهام عادی و ممتاز و سهم اقلیت.
۶	ACC	اقلام تعهدی عملیاتی برابر است با سود یا زیان عملیاتی منهای خالص جریان وجه نقد عملیاتی.
۷	ΔSALE	درصد تغییر در درآمد نسبت به دوره گذشته.

[1] Modified Jones Model
[2] Dechow, Sloan & Sweeney

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

در این قسمت ابتدا نتایج آمار توصیفی و پس از نتایج برآورد مدل به روش داده‌های ترکیبی ارائه می‌گردد.

جدول (۳): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود (VRBSI)	۰/۷۳۸	۰/۸۸۹	۰/۹۹۹	۰/۰۰۳	۰/۳۰۶	-۱/۱۰۳	۲/۸۶۳
ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود (VRLEI)	۰/۶۲۹	۰/۶۰۹	۰/۹۹۹	۰/۰۵۵	۰/۲۵۰	-۰/۱۱۳	۱/۹۶۰
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (AC)	-۰/۱۳۱	-۰/۱۱۵	-۰/۰۰۱	-۰/۷۰۸	۰/۰۹۸	-۲/۱۸۵	۱۰/۶۴۴
اندازه شرکت (SIZE)	۱۴/۹۸۹	۱۴/۸۱۹	۲۱/۳۶۲	۱۱/۱۱۶	۱/۵۸۸	۰/۶۱۲	۲/۰۷۱
ارزش شرکت (MV)	۳/۲۲۱	۲/۰۸۹	۲۷/۹۷۷	۰/۶۷۴	۳/۶۲۴	۴/۲۳۰	۲۴/۹۲۸
رشد فروش (GROWTH)	۰/۳۹۴	۰/۳۰۷	۳/۴۰۶	-۰/۵۹۹	۰/۵۴۶	۲/۱۱۳	۱۰/۷۷۳
سهامداران نهادی (INST)	۰/۷۶۸	۰/۸۲۰	۰/۹۸۱	۰/۰۵۰	۰/۱۷۲	-۱/۶۸۰	۶/۰۴۶
عمر شرکت (AGE)	۳/۱۶۴	۳/۱۳۵	۴/۰۶۰	۱/۹۴۵	۰/۳۷۲	۰/۱۷۳	۲/۸۹۳
کیفیت حسابرسی (AQ)	سال- شرکت‌های دارای کیفیت حسابرسی: ۱۱۴۵ سال- شرکت‌های فاقد کیفیت حسابرسی: ۵۵۵						

با توجه به جدول (۳)، تعداد مشاهدات سال-شرکت بر اساس داده‌های ترکیبی متوازن، ۱۷۰۰ مشاهده (۱۷۰ شرکت و ۱۰ سال) بوده است. با توجه به آماره توصیفی، می‌توان شاخص‌های بالا را به شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و سایر شاخص‌ها تقسیم نمود، میانگین شرکت‌های نمونه آماری برای متغیر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود و سود و زیانی به ترتیب ۷۳/۸٪ و ۶۲/۹٪ می‌باشد. همچنین میانگین شرکت‌های نمونه آماری برای متغیر رشد فروش برابر با ۳/۲۲۱ می‌باشد. به‌علاوه میانگین شرکت‌های نمونه آماری برای متغیر سهامداران نهادی برابر با ۷۶/۸٪ می‌باشد. نهایتاً میانگین کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد که سال- شرکت‌های دارای و فاقد کیفیت حسابرسی به ترتیب ۱۱۴۵ و ۵۵۵ مشاهده می‌باشد. در مورد ضریب چولگی منفی برخی از متغیرها نیز می‌توان گفت که این موضوع حاکی از وجود چوله به راست و تمایل این متغیرها به مقادیر کوچک‌تر است، همچنین مثبت بودن ضرایب کشیدگی، حکایت از این مطلب دارد که از توزیع نرمال بلندتر بوده و داده‌ها حول میانگین متمرکز شده است.

آزمون نرمالیته توزیع متغیرهای وابسته

از آنجایی که در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد و این روش بر این فرض استوار است که بایستی متغیر وابسته پژوهش دارای توزیع نرمال باشد بر همین اساس از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (K-S) برای بررسی نرمالیته استفاده می‌شود.

جدول (۴): نتایج بررسی نرمالیته توزیع متغیرهای وابسته

متغیر	نتایج آزمون K-S (نرمالیته)

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

	میانگین	انحراف معیار	مثبت	منفی	آماره K-S	سطح معناداری
ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود (VRBSI)	۰/۷۳۸	۰/۳۰۶	۰/۹۹۹	۰/۰۰۳	۱/۲۹۷	۰/۰۸۱
ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود (VRLEI)	۰/۶۲۹	۰/۲۵۰	۰/۹۹۹	۰/۰۵۵	۱/۲۳۰	۰/۰۹۷

با توجه به جدول (۴)، سطح معنی‌داری آماره Z آزمون KS برای متغیرهای وابسته به بالاتر از ۰/۰۵ افزایش‌یافته بنابراین فرضیه H0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته پذیرفته می‌شود و گویای آن است که متغیرهای وابسته تحقیق دارای توزیع نرمال می‌باشد لذا برای آزمون فرضیات از روش‌های آماری پارامتریک استفاده می‌گردد.

یافته‌های استنباطی

برآورد مدل به روش داده‌های ترکیبی

آزمون چاو: برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا مدل اثرات ثابت-زمانی برآورد می‌شود سپس برای اینکه مشخص گردد این عرض از مبدأها از دیدگاه آماری با هم تفاوت معنی‌داری دارند یا خیر از آزمون چاو استفاده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون چاو برای فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش	مقدار آماره	سطح معناداری
فرضیه فرعی اول	۱۶۲/۳۰۷	۰/۰۰۰ Prob.
فرضیه فرعی دوم	۸۲/۳۰۹	۰/۰۰۰ Prob.

در جدول (۵)، با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده در فرضیه‌های پژوهش، فرضیه صفر استوار بر برابری عرض از مبدأها در فرضیه‌ها پذیرفته نمی‌شود؛ بنابراین، مدل پانل (ترکیبی) نسبت به مدل پولد (تلفیقی) ارجحیت دارد.

آزمون هاسمن: همان‌طور که در نتایج آزمون چاو مشخص گردید، تمامی فرضیه‌های پژوهش، استوار بر انتخاب مدل پانل است. حال می‌بایست مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن برای فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش	مقدار آماره	سطح معناداری
فرضیه فرعی اول	۱۴/۶۲۶	۰/۰۴۱Prob.
فرضیه فرعی دوم	۲۷/۳۲۷	۰/۰۰۰ Prob.

در جدول (۶)، ازآنجایی‌که سطح معنی‌داری آماره هاسمن کمتر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش رگرسیون با اثرات ثابت نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد. در ادامه نتایج آزمون فرضیات ارائه می‌گردد لازم به ذکر است که در آزمون فرضیات پژوهش کنترل‌های مربوط بابت مانایی متغیرها، عدم وجود ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی سریالی و همخطی میان متغیرها (عامل تورم واریانس) صورت گرفته است.

آزمون فرضیه فرعی اول: در این فرضیه به دنبال بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود هستیم که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول (۷): نتایج برآورد مدل برای فرضیه فرعی اول پژوهش

نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره VIF
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (AC)	۰/۱۹۸	۳/۷۸۶	۰/۰۰۰	۱/۰۹۱
اندازه شرکت (SIZE)	۰/۰۰۲	۰/۳۱۱	۰/۷۵۵	۱/۱۰۶
کیفیت حسابرسی (AQ)	۰/۰۳۰	۲/۸۷۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۴
ارزش شرکت (MV)	۰/۰۰۲	۱/۰۶۱	۰/۲۸۸	۱/۰۹۵
رشد فروش (GROWTH)	-۰/۰۱۵	-۱/۶۰۲	۰/۱۰۹	۱/۰۹۲
سهامداران نهادی (INST)	۰/۰۹۱	۳/۰۱۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۶
عمر شرکت (AGE)	-۰/۰۱۶	-۰/۷۶۹	۰/۴۴۱	۱/۰۳۲

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

مقدار ثابت	۰/۷۳۸	۴/۲۸۹	۰/۰۰۰	-
آماره F			۱۱۱/۷۶۰	
(سطح معنی‌داری)			۰/۰۰۰	
آماره دوربین- واتسون			۱/۹۵۸	
(ضریب تعیین)			۰/۵۱۵	
آماره جارکو برا			۶/۰۳۸	
(سطح معنی‌داری)			۰/۱۸۴	

بر اساس نتـایج آزمون فرضیه فرعی اول، با توجه به اینکه آماره F(۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) می‌باشد، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۱/۵ درصد از تغییرات متغیر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکو برا گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردارمی باشند. به‌طوری‌که سطح معنی‌داری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ (۰/۱۸۴) است. همچنین با توجه به این که مقدار آماره دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ (۱/۹۵۸) است لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. در نهایت با توجه به سطح معناداری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (متغیر مستقل)، که زیر ۰/۰۵ است، لذا فرضیه فرعی اول پژوهش تأیید می‌گردد بر این شرح که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. از متغیرهای کنترلی نیز کیفیت حسابرسی و سهامداران نهادی بر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت با آزمون همخطی میان متغیرهای پژوهش نیز مقدار آماره VIF(عامل تورم واریانس) برای تمامی متغیرها از ۵ کوچک‌تر بوده و بیانگر این است که میان متغیرهای پژوهش مشکل همخطی شدید وجود ندارد.

آزمون فرضیه فرعی دوم: در این فرضیه به دنبال بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود هستیم که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول (۸): نتایج برآورد مدل برای فرضیه فرعی دوم پژوهش

نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره VIF
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (AC)	۰/۱۷۰	۲/۵۱۸	۰/۰۰۴	۱/۰۹۱
اندازه شرکت (SIZE)	۰/۰۱۰	۱/۷۴۵	۰/۰۸۱	۱/۱۰۶
کیفیت حسابرسی (AQ)	۰/۰۳۳	۳/۱۲۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۴
ارزش شرکت (MV)	۰/۰۰۲	۱/۱۴۷	۰/۲۵۱	۱/۰۹۵
رشد فروش (GROWTH)	-۰/۰۰۷	-۰/۹۰۷	۰/۳۶۴	۱/۰۹۲
سهامداران نهادی (INST)	۰/۰۹۳	۳/۱۴۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۶
عمر شرکت (AGE)	۰/۰۰۵	۰/۳۱۲	۰/۷۵۴	۱/۰۳۲
مقدار ثابت	۰/۴۵۶	۳/۹۶۶	۰/۰۰۰	-
آماره F			۹۵/۶۳۸	
(سطح معنی‌داری)			۰/۰۰۰	
آماره دوربین- واتسون			۱/۷۲۵	
(ضریب تعیین)			۰/۴۸۳	
آماره جارکو برا			۸/۱۷۵	
(سطح معنی‌داری)			۰/۱۴۵	

بر اساس نتـایج آزمون فرضیه فرعی دوم، ضریب تعیین مدل گویای آن است که ۴۸/۳ درصد از تغییرات متغیر ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوبرا گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند. به‌طوری‌که سطح معنی‌داری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ (۰/۱۴۵) است. همچنین با توجه به این که مقدار آماره دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ (۱/۷۲۵) است لذا می‌توان گفت در مدل،

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. در نهایت با توجه به سطح معناداری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (متغیر مستقل)، که زیر ۰/۰۵ است، لذا فرضیه فرعی دوم پژوهش تأیید می‌گردد بر این شرح که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. از متغیرهای کنترلی نیز کیفیت حسابرسی و سهامداران نهادی بر ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رفتار و تصمیمات سرمایه‌گذاران نقش تعیین‌کننده‌ای در ارزش‌گذاری سهام شرکت‌ها دارد. در این میان، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به‌عنوان یک ویژگی کیفی کلیدی، از دو مسیرِ اصلی بر فرآیند تصمیم‌گیری و ارزیابی سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارد و سنگ بنای نظری ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری را تشکیل می‌دهد. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود می‌باشد. در رابطه با یافته‌ها و تحلیل حاصل از نتایج می‌توان گفت، نتایج فرضیه فرعی اول نشان می‌دهد، بهبود قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ارتباط ارزشی ارقام ترازنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سود را تقویت می‌کند. قابلیت مقایسه بالاتر صورت‌های مالی، ابزاری حیاتی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کارایی بازار است. در محیطی که نوسانات بالا و شایعات نقش پررنگی دارند، صورت‌های مالی قابل‌مقایسه به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد تا عملکرد و ساختار مالی شرکت‌ها را در یک صنعت به‌صورت عینی و مبتنی بر استانداردهای یکسان بسنجند. این همخوانی، ارزیابی کیفیت سود، ثبات عملیاتی و ریسک‌های شرکت را قابل‌اعتمادتر می‌کند. درنتیجه، سرمایه‌گذاران می‌توانند ارقام ترازنامه‌ای را با اطمینان بیشتری به‌عنوان پایه‌ای واقع‌نگر برای ارزش‌گذاری مورد استفاده قرار دهند، نه صرفاً متکی به اخبار غیررسمی یا قیمت‌گذاری‌های هیجانی باشند. نتایج این بخش از پژوهش با مبانی نظری اشاره شده در پژوهش‌های گارسیا لارا و همکاران (۲۰۲۵) و اعتمادی و بابایی (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در ادامه نتایج فرضیه فرعی دوم حاکی از تأثیر مثبت و معنادار قابلیت مقایسه بر ارتباط ارزشی ارقام سود و زیانی مبتنی بر ارزش‌گذاری و انتخاب پذیری سوداست. این نتیجه نشان می‌دهد که در شرایط مقایسه‌پذیری بالا، رقم سود گزارش شده محتوای اطلاعاتی بااهمیت‌تری برای بازار دارد. قابلیت مقایسه از دو مسیر این اثر را ایجاد می‌کند: نخست، با فراهم آوردن مبنایی معتبرتر برای پیش‌بینی سودهای آتی و ارزیابی پایداری سود و دوم، با محدود کردن دامنه اقدامات مدیریت سود فرصت‌طلبانه از طریق افزایش امکان مقایسه عملکرد با رقبا و شفافیت بیشتر. این یافته هم‌راستا با مطالعات بال و سادکا (۲۰۱۵) و لالوانیا و چاکرابورتی (۲۰۲۴) است که بر نقش مقایسه‌پذیری در بهبود کیفیت سود و پیش‌بینی‌پذیری آن تأکید می‌کنند. همچنین، نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های ونتر و همکاران (۲۰۱۱) و سوسانتو و ویجایا (۲۰۲۲) در زمینه نقش بازدارندگی قابلیت مقایسه در مقابل مدیریت سود فرصت‌طلبانه همسو می‌باشد. این همگرایی در یافته‌ها، به‌ویژه در بستر بازار ایران که نگرانی‌هایی درباره کیفیت سود وجود دارد، اهمیت دوچندانی دارد. نتایج نشان می‌دهد ارتقای قابلیت مقایسه می‌تواند به‌عنوان یک مکانیسم نظارتی غیرمستقیم، قابلیت اتکای سود و ارتباط ارزشی اطلاعات ترازنامه و سود و زیان را به‌طور هم‌زمان تقویت کند. این موضوع بر اهمیت سیاست‌گذاری کلان برای یکنواختی گزارشگری و همچنین توجه فعال سرمایه‌گذاران به این ویژگی کیفی تأکید دارد. همسویی یافته‌ها با تحقیقات جهانی، جهان‌شمول بودن مزایای قابلیت مقایسه را نشان می‌دهد، درحالی‌که تأیید آن در بازار ایران، گامی در جهت بومی‌سازی دانش و ارائه راهکار برای افزایش کارایی بازار سرمایه کشور است. نهایتاً بر اساس یافته‌ها، در سطح سیاست‌گذاری، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس با تدوین رهنمودهای شفاف و اجباری برای یکنواختی گزارشگری و ایجاد پایگاه داده‌ای استاندارد از صورت‌های مالی، بستر مقایسه‌پذیری را تقویت کند. در سطح شرکتی، مدیران می‌توانند با افشای داوطلبانه اطلاعات مقایسه‌ای و تشکیل کمیته‌های نظارتی داخلی، شفافیت خود را به‌طور فعالانه افزایش دهند. در سطح تصمیم‌گیری نیز تحلیلگران و سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند با طراحی شاخص‌های کمی برای سنجش مقایسه‌پذیری و اولویت‌دهی به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های قابل‌مقایسه‌تر، هم ریسک خود را کاهش دهند و هم انگیزه‌ای برای

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

ارتقای کلی شفافیت بازار ایجاد کنند. این اقدامات عملی، نقش کلیدی قابلیت مقایسه در افزایش کارایی بازار سرمایه ایران را محقق می‌سازد.

منابع

اعتمادی، حسین؛ و ساسان بابایی. (۱۳۹۷). ارتباط ارزشی و اطلاعات حسابداری. **مطالعات حسابداری و حسابرسی** ۷(۲۶): ۵-۱۶.

بابایی، قادر؛ عسگر پاک‌مرام؛ یونس بادآور نهندی و نادر رضایی. (۱۳۹۹). **سنجش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی با استفاده از مبنای تئوری ارزش‌گذاری نسبی**. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.

بنی‌مهد، بهمن؛ مهدی عربی و شیوا حسن‌پور. (۱۳۹۵). **پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری**. تهران: انتشارات ترمه: ۴۶۹-۳۰۱.

حاجیا، ایرج. (۱۴۰۴). **تأثیر اندازه و سودآوری شرکت بر رابطه اثربخشی ساختار هیئت‌مدیره و قابلیت مقایسه حسابداری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب.

حسین‌زاده، علی‌حسین؛ و سعید احمدی‌نیا. (۱۳۸۸). بررسی میزان مربوط بودن اجزای سود حسابداری و جریان‌های نقدی عملیاتی با بازده سهام. **فصلنامه حسابداری مالی** ۱(۳): ۱۳۰-۱۰۷.

حمدی، کریم؛ علی فعال قیومی؛ محسن برزوزاده زواره و نسترن تقی‌خانی. (۱۳۹۲). مربوط به ارزش اطلاعات حسابداری و عوامل تأثیرگذار بر آن. **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی** ۵(۱۹): ۱۹۳-۱۷۳.

دقیقی ماسوله، مهرداد؛ مریم فرهادی؛ مسعود فولادی و مهنام ملایی. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اعتبار تجاری با در نظر گرفتن نقش شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های کوچک. **فصلنامه حسابداری مالی** ۱۵(۵۹): ۹۳-۱۱۰.

رستمی، مریم؛ علی حسینی و ناصر محمدی. (۱۴۰۳). بررسی تجربی تأثیرگذاری قابلیت مقایسه و خوانایی صورت‌های مالی بر اجتناب از قیمت‌گذاری نادرست سهام شرکت‌ها. **پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی** ۱۶(۲): ۳۲-۱۵.

شامحمدی، آزاده؛ و آزیتا جهانشاد. (۱۴۰۱). ارزیابی و مقایسه توان مدل‌های اولیه و بهینه‌شده ارزشی اطلاعات حسابداری بر مبنای دیدگاه‌های مرتبط با سود. **فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری** ۱۱(۴۴): ۳۷۱-۳۵۱.

عثمانی، محمدقسیم؛ داریوش جاوید و ناصر محمدی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سازوکارهای نظام راهبری شرکت و مربوط بودن ارزش سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی** ۳(۱۲): ۲۲-۱.

فرض‌علی، الهه. (۱۳۹۱). **عدم شفافیت سود و حساسیت جریانات نقدی عملیاتی بر ریسک کاهش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

فضل‌زاده، علیرضا؛ وحید احمدیان و سجاد نقدی. (۱۴۰۱). اثر تمایلات سرمایه‌گذاران بر ضریب واکنش به سود حسابداری. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۱۴(۵۳): ۲۴-۵.

Ali, A., & H. He. (2025). Accounting comparability and the persistence of accruals. **Journal of Accounting Research** 62(1): 89–120.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

Ball, R., & G. Sadka. (2015). Aggregate earnings and why they matter. **Journal of Accounting Literature** 34: 39–57.

Beisland, L.A. (2009). A review of value relevance literature. **The Open Business Journal** 2(1): 7–72.

Byungcherl, S. (2016). **The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management**. Doctoral dissertation, University of Macau.

Callen, J.L., S.W.G. Robb, & D. Segal. (2008). Revenue manipulation and restatements by loss firms. **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 27(2): 1–29.

Campbell, J.L., & P.E. Yeung. (2017). Earnings comparability, accounting similarities, and stock returns: Evidence from peer firms' earnings restatements. **Journal of Accounting, Auditing & Finance** 32(4): 480–509.

Clarkson, P.M., Y. Li, G.D. Richardson, & F.P. Vasvari. (2008). Revisiting the relation between environmental performance and environmental disclosure: An empirical analysis. **Accounting, Organizations and Society** 33(4–5): 303–327.

Cornell, B., W. Landsman, & S. Stubben. (2017). Accounting information, investor sentiment and market pricing. **Journal of Law, Finance, and Accounting** 2(2): 325–345.

Davis, A.K. (2002). The value relevance of revenue for internet firms: Does reporting grossed-up or barter revenue make a difference? **Journal of Accounting Research** 40(2): 445–477.

Dechow, P.M., R.G. Sloan, & A.P. Sweeney. (1995). Detecting earnings management. **The Accounting Review** 70(2): 193–225.

Dobija, D., & K.M. Klimczak. (2010). Development of accounting in Poland: Market efficiency and the value relevance of reported earnings. **The International Journal of Accounting** 45(3): 356–374.

Dontoh, A., S. Radhakrishnan, & J. Ronen. (2004). The declining value-relevance of accounting information and non-information-based trading: An empirical analysis. **Contemporary Accounting Research** 21(4): 795–812.

García-Lara, J.M.,B. García-Osma, & A. Mora. (2025). Financial statement comparability and the value relevance of accounting information: Evidence from European banks. **Journal of Accounting and Public Policy** 44(1): 107–150.

Givoly, D., & C. Hayn. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? **Journal of Accounting and Economics** 29(3): 287–320.

Habib, A., M.M. Hasan, & A. Al-Hadi. (2017). Financial statement comparability and corporate cash holdings. **Journal of Contemporary Accounting & Economics** 13(3): 304–321.

Hanauer, M., & M. Linhart. (2015). Size, value and momentum in emerging market stock returns: Integrated or segmented pricing? **Asia-Pacific Journal of Financial Studies** 44(2): 175–214.

He, W., & M.R. Hu. (2014). Aggregate earnings and market returns: International evidence. **Journal of Financial and Quantitative Analysis** 49(4): 879–901.

Hou, K., G.A. Karolyi, & B.C. Kho. (2011). What factors drive global stock returns? **The Review of Financial Studies** 24(8): 2527–2574.

Hu, N., C. Cortese, & T. Zeng. (2011). The impact of accounting discretion on earnings informativeness and choice of accounting policies. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 27(1): 45–56.

Islam, M.N. (2018). **Three essays on financial statement comparability**. Doctoral dissertation, Florida International University.

Kothari, S.P., & J.L. Zimmerman. (1995). Price and return models. **Journal of Accounting and Economics** 20(2): 155–192.

Kothari, S.P., J. Lewellen, & J.B. Warner. (2006). Stock returns, aggregate earnings surprises, and behavioral finance. **Journal of Financial Economics** 79(3): 537–568.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

Lalwani, V., & M. Chakraborty. (2024). **The value relevance of earnings for factor investors**. Working paper, SSRN Electronic Journal 1–35.

Lee, C.M.C., P. Ma, & C.C.Y. Wang. (2015). Search-based peer firms: Aggregating investor perceptions about peer products. **Journal of Accounting Research** 53(2): 213–266.

Leftwich, R., R. Watts, & J. Zimmerman. (1981). Voluntary corporate disclosure: The case of interim reporting. **Journal of Accounting Research** 19: 50–77.

Leuz, C., & R.E. Verrecchia. (2000). The economic consequences of increased disclosure. **Journal of Accounting Research** 38: 91–124.

Leuz, C., D. Nanda, & P.D. Wysocki. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. **Journal of Financial Economics** 69(3): 505–527.

McVay, S. (2006). Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special items. The Accounting Review 81(3): 501–531.

Patel, R., & J. Thomas. (2024). Can comparability mitigate accrual-based mispricing? **Accounting Horizons** 38(1): 25–49.

Sadka, G., & R. Sadka. (2009). Predictability and the earnings–returns relation. **Journal of Financial Economics** 94(1): 87–106.

Schiemann, F., & T. Guenther. (2013). Earnings predictability, value relevance, and employee expenses. **The International Journal of Accounting** 48(2): 149–172.

Schmeling, M. (2009). Investor sentiment and stock returns: Some international evidence. **Journal of Empirical Finance** 16(3): 394–408.

Sible, K. (2013). The impact of IFRS on the value relevance of accounting information: Evidence from Turkish firms. **International Journal of Economics and Finance** 5(4): 71–80.

Soesanto, S., & H. Wijaya. (2022). The effect of readability of annual reports and value relevance of financial information on agency costs with analyst coverage as moderating variable. **Journal Akuntansi dan Keuangan** 24(1): 46–56.

Sun, W., J.F. Zhang, & H.X. Li. (2011). Research on benefit main body gambling of stakeholders based on moral element. **Chinese Journal of Management Science** 19(16): 152–155.

Venter, E.R., S.F. Cahan, & D. Emanuel. (2011). **Mandatory earnings disaggregation and the persistence and pricing of earnings components**. Working paper, University of Auckland Business School.

Zhang, X., & Y. Luo. (2021). Board diversity and risk-taking of family firms: Evidence from China. **Journal of Management and Governance** 25(3): 645–678.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]